

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۸ اپریل ۲۰۱۹

آلام سیل زدگان ، "جنود الهی" سرمایه داران

ریزش سیل آسای باران و جاری شدن سیلاب های سهمگین در ۷ استان و ۴۰۰ شهر و روستای کشور در هفته های اخیر، در زیر حاکمیت رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی منجر به بروز فاجعه انسانی بزرگی برای توده های محروم شد. نتایج وخیم این فاجعه چنان است که گریبان قربانیان صدمه خورده از این رویداد را تا چند دهه آینده نیز رها نخواهد کرد. در گزارشات وزارت کشور، به طور کاملاً غیر واقعی اعلام شده است که در نتیجه این سیل خانمان برافکن، تا تاریخ ۱۶ فروردین، "۷۰ نفر" جان خود را از دست داده و "۸۰۰ نفر مصدوم، چند نفر مفقود" و "هزاران نفر بی خانمان" شده اند. اما این آمار در حالی منتشر شده اند که مردم محلی تنها در منطقه "پل قرآن" شیراز و در اوج سیلابها، از کشته و مفقود شدن بیش از ۱۰۰ نفر خبر می دهند و به گفته شاهدان عینی در لرستان چندین روستا بطور کامل به زیر آب رفته اند. از طرف دیگر گزارشات رسمی در توضیح ابعاد خسارات مادی این سیل تا تاریخ ۱۸ فروردین از حداقل ۱۵ هزار میلیارد تومان خسارت به مردم سخن می گویند که این رقم برابر ۱۴ درصد از درآمدهای نفتی قبل از تحریم و ۵ درصد بودجه عمومی دولت می باشد.

در جریان سیل اخیر ، ده ها هزار راس دام و طیور مردم در جریان سیلابها از بین رفته اند و بنا به اعتراف مقامات وزارت جهاد کشاورزی، این سیل به بیش از یک میلیون هکتار زمین کشاورزی و باغ آسیب وارد کرده است. در مجموع، این فاجعه صدمات هولناکی به هستی و حیات ۲ میلیون تن از توده ها وارد کرده است.

با اندکی درنگ در ترکیب و وضع قربانیان این فاجعه و ماهیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی شکی باقی نمی ماند که زندگی و حیات هزاران خانواده از طبقات زحمتکش و بی چیز در امواج این سیل هولناک برای همیشه از بین رفته است. چرا که با توجه به تجاربی که رژیم جمهوری اسلامی در عدم رسیدگی به دردها و آلام آسیب دیدگان زلزله وحشتناک بم و یا زلزله در آذربایجان و زلزله اخیر در کرمانشاه از خود به جای گذارده، ثابت شده که زیر سلطه این نظام استثمارگر و فاسد، کمترین امیدی به بازسازی حیات ویران شده قربانیان بی شمار و محروم فاجعه سیل اخیر وجود ندارد. این واقعیت در شرایطی است که به تجربه دیده ایم که هر یک از این بلایای طبیعی وقتی در کشورهای متروپل (کشورهای که امپریالیستهای حاکم بر آنها به چپاول ثروت های کشورهای تحت سلطه خود می پردازند) رخ می دهد دولت های مربوطه با اتکاء به امکانات وسیع و پیشرفتهای علمی و فنی می توانند با پیش بینی وقوع فجایع طبیعی و در نتیجه آگاهی دهی و اعلام آماده باش در رابطه با وضعیت بحرانی، از وارد آمدن خسارات جانی بر مردم تا حد زیادی

جلوگیری کنند و بعداً نیز با کمکهای اضطراری و به موقع، صدمات مالی را به حداقل برسانند. اما، در زیر حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی وضع به گونه دیگری ست. در ایران، رژیم جمهوری اسلامی ثروتها و منابع مالی متعلق به مردم را در جهت پیشبرد سیاستها و تامین منافع امپریالیستها و سرمایه داران داخلی خرج می کند و از این رو در حالی که میلیاردها دلار صرف نقشه های جنگی امپریالیستها در افغانستان و عراق و سوریه و لبنان و یمن و ... می گردد، در شرایطی که میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی هر سال در حمایت از دولتهای وابسته و دار و دسته های اسلامی و سیا (CIA) ساخته در خاورمیانه صرف تسلیح و تامین آنها و امر بازسازی و ایجاد امکانات رفاهی برای مزدوران خود و تقویت بنیاد گرائی اسلامی در لبنان و عراق و سوریه و غیره و حتی "طلا کاری" امکان اسلامی ... می گردد، حیات توده های تحت ستم و بلا زده ایران در شرایط عدم تخصیص منابع مالی حداقل و در زیر چکمه سرکوبگران دزد و وابسته حاکم هر روز بیش از قبل له می گردد. به واقع، جمهوری اسلامی در حالی که با دست و دل بازی برای پیشبرد سیاستهای میلیتاریستی امپریالیستها پولهای کلانی را صرف می کند ولی کمترین توجهی حتی به مردم سیل زده ایران میزول نمی دارد. این سیاست ضد مردمی یکی از بزرگترین دلایلی ست که صدمات مالی و جانی بر حیات و هستی قربانیان رخدادهای طبیعی را به حداکثر رسانده و باعث گشته است که همانگونه که شاهدیم امروز سالها پس از زلزله ویرانگر بم، هنوز نه تنها این شهر بازسازی نشده، بلکه بسیاری از توده های بلا زده، آواره و محروم در زیر چادر و کانکس، روزگار می گذرانند و یا قربانیان زلزله کرمانشاه و کودکان شان هنوز در حسرت داشتن یک چادر و یا کانکس به عنوان سرپناه می سوزند.

بنابراین، وقوع سیل اگر یک رخداد طبیعی ست، اما بروز این بلای طبیعی – و تا حد زیادی قابل پیش بینی- به خاطر سیاستهای ضد مردمی رژیم حاکم که در چارچوب منافع سرمایه داران و قدرتهای استعمارگر تنظیم شده اند بزرگترین ضربات را به حیات فعلی و آتی توده های محروم آسیب دیده وارد کرده و خواهد کرد. در جریان سیلابهای اخیر، یکی از عوامل اصلی ای که ابعاد ویرانگر این بلای طبیعی را فزونی بخشیده، سیاستهای ضد مردمی سرمایه داران سودجوی حاکم حتی در ارگانهای دولتی ست که برخی از گزارشات منتشره در درون نظام نیز آن را تایید می کنند. این سرمایه داران در طول سالها با "جنگل خواری" های گسترده که منجر به فرسایش غیر قابل اجتناب زمین و آسیب پذیری پوشش گیاهی آن شده، با سیاست سد سازی های متعدد فاقد استاندارد برای تغییر جهت جریان آب و دزدیدن و انبار کردن آن، آنهم به منظور برآوردن نیازهای سرمایه داران و آقازاده های شان، با سیاست خانه سازی های انبوه در مسیرهای سیلاب، با عدم لایروبی بستر رودخانه ها و به طور کلی در غیبت وجود مدیریت صحیح در عرصه منابع طبیعی و حوادث اضطراری، اکنون آن چنان فاجعه ای را باعث شده اند که عواقب ویرانگر آن خشم و نفرت هر انسان با وجدان و مردم دوستی را علیه دزدان و ظالمان حاکم بر می انگیزد.

از طرف دیگر، آنچه که پس از وقوع سیل بر تعداد قربانیان آواره و بی سرپناه و گرسنه و زخم خورده و خشم و نفرت آنها افزوده، عدم عکس العمل سریع حکومت برای ارسال کمکهای اضطراری به مناطق سیل زده و رسیدگی به مسایل حیاتی قربانیان بوده است. اگر وقوع سیل را با اغماض بتوان یک پدیده خارج از اراده حکومت جا زد اما برخورد با شرایط و عواقب پس از وقوع این حادثه، امر مهمی ست که اساساً به عامل انسانی و مدیریت منابع باز می گردد. به رغم این واقعیت، در شرایطی که هستی و حیات سیل زدگان در زیر امواج هیولای سیل نابود شده و مردم بلازده در آتش نیاز به کمک می سوزند، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نه تنها هیچ اقدام موثری در زمینه کمک رسانی به مردم انجام نداده بلکه با آگاهی به خشم و نفرت مردم از خود، از شدت ترس خویش نسبت به احتمال اعتراض و خیزش محرومینی که همه چیزشان را از دست داده اند، به جای کمک، نیرو های سرکوب و گاه تانکهای ارتش را در برخی از

شهرهای سیل زده به منظور سرکوب و ارعاب مردم به خیابان فرستاده است. به همین صورت می بینیم که مقامات حکومت با رسوایی تمام، تعدادی از مردمی که در سراسر کشور از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب با تمام وجود در حال سازماندهی مستقلانه کمکهای خویش به سیل زدگان بوده و می باشند را هم دستگیر و زندانی کرده است و حسابهای بانکی مربوط به کمکهای مستقل مردمی را بسته و برخی از صاحبان این حسابها را نیز به بیدادگاه های خویش فراخوانده است.

چنین برخورد مردم ستیزانه و سرکوبگرانه ای ناشی از این واقعیت است که در چارچوب دیکتاتوری عریان حاکم، حتی عواقب ناشی از بلایای طبیعی، به زمینه ای برای پدیدار شدن یک مساله "امنیتی" برای سرکوبگران تبدیل می گردد و چون دولتمردان، تحمل هیچ اعتراض برحق علیه وضع موجود و رژیم ضد خلقی حاکم را ندارند، در خوف از گسترش موج وار اعتراضات توده ای، حتی صدای حق طلبانه توده های بلا زده و قربانی و نیازمند که شاهد مرگ تدریجی خود و خانواده های شان هستند را آشکارا با زدن مارک و قیحانه "مخالف نظام" پاسخ می دهند. واقعیت اخیر به طور برجسته در برخورد رذیلانه غلامرضا شریعتی، استاندار خوزستان با مردم سیل زده این استان آشکار شد و موجب رسوائی هر چه بیشتر این عنصر ضد مردمی گردید. وی در مواجهه با سؤال برحق یکی از سیل زدگان که چرا حکومت به مردم بلازده "سوریه" با تمام توان کمک می کند اما از در اختیار گذاردن کمترین امکانات حیاتی به مردم خود دریغ می کند، فرد مصیبت دیده از سیل را با الفاظ بی شرمه ای نظیر "گمشو" و تو "مخالف نظام" هستی مورد حمله قرار داد. نه فقط چنین برخورد رسوائی بلکه کل برخورد نوکران امپریالیستها در ایران که رسانه ها از آنها به عنوان "مسئولین" نام می برند، نمک بر زخمهای عمیق جان و روح مردم محرومی می باشد که در زیر سلطه دیکتاتوری حاکم حتی پیش از وقوع سیلابهای مرگبار، کمرشان در زیر بار ظلم و فقر و ستم و گرانی و بیکاری و سرکوب خم شده و حیات و هستی شان در نتیجه غارت سرمایه داران به طرز بی سابقه ای تالان شده است.

در واکنش به فجایع سیل اخیر، رهبر دزد و فاسد رژیم جمهوری اسلامی که در راس مشتی از دژخیمان حکومت و سرمایه داران و آقا زاده های خون آشام شان قرار دارد، کسانی که به طور سیستماتیک مشغول مکیدن شیر جان کارگران و زحمتکشان و توده های محروم ما می باشند، در سخنرانی خود در حضور مقامات دولتی سیل جاری را وقیحانه "باران الهی" و "رحمت" خواند. او از "نتایج مثبت، دستاوردهای مهم و رحمت هایی که این بارش ها" دارد سخن گفت و آن "رحمت ها" را غیر قابل "شک" دانست. در ادامه این رویکرد مردم ستیزانه رهبر و برخورد مشابه از طرف سایر مقامات رژیم ضد مردمی نسبت به قربانیان، "روزنامه جوان" (مورخ ۱۷ فروردین) در مقاله ای با عنوان "جنود الهی به کمک آمد" با وقاحت تمام نوشت "جنود الهی نزولات آرامش بخش شد" و "در غوغای ناامیدی، گرانی، تورم و مشکلات ارزی، اراده ای فراتر از مدیریت نظام به کمک آمد و همچون سیل بسیاری از مشکلات را با خود برد!" در این روزی نامه وابسته به سپاه پاسداران ضد خلقی، سیلاب فاجعه بار اخیر که زندگی صد ها هزار تن از مردم را سیاه کرد به عنوان "نجات دهنده تمدن ایران" نامیده شده و نویسنده در دفاع از منافع سرمایه داران زالو صفت حاکم بر کشور ما، با شعف و در عین حال با بیشرمی تمام عنوان کرده که در اثر سیل "صادرات محصولات منحصر به فردی همچون زعفران، پسته و صیفی جات در سال ۹۸ قطعاً چندین برابر سال های پیش خواهد بود".

در قسمت دیگری از این مقاله رسوا که جوهر نظر و دیدگاه جنایتکاران استثمارگر حاکم نسبت به وضعیت توده های بلا دیده کشور ما را منعکس می کند، عنوان گشته که سیل ویرانگر اخیر مشکل آب "کشاورزی شرق اصفهان" را نیز "حل" کرد و همچنین مردمی که دچار خشکسالی بودند با "نوعی رخوت، افسردگی و عصبانیت دست و پنجه نرم

می کردند که اکنون تا حدودی تسکین آلام شد!" <http://www.Javann.ir/003zEr>

رضایت سردمداران جمهوری اسلامی از "نعمت" مادی سیل برای بزرگترین سرمایه داران انحصار گر در "بازار بسته و زعفران" و این اظهارات وقیحانه و ضد مردمی در شرایطی است که همگان شاهد ضجه های دردناک پدران و مادرانی هستند که هیولای سیل، کودکان بی گناه آنان را در گرداب امواج خود ربود، محرومینی که پایه های لرزان سرپناه و کاشانه فقیرانه آنان در عرض یک چشم به هم زدن در مقابل دیدگان شان در هم کوبیده شد، کشاورزان رنج دیده ای که بر سر اجساد چند راس گاو و گوسفندی که کل زندگی محقر شان از آن طریق می چرخید، خون می گریند، زمینهای کشاورزی تشنه ای که در شرایط فقدان امکانات و بی پولی صاحبان زحمتکش شان با خون دل سیراب می شدند و اکنون در امواج سیلاب در یک چشم به هم زدن ناپدید و نابود شدند و با خود امیدهای نیازمندان را غرق کردند، در شرایطی که شوک و آه و درد و خشم و نفرت هزاران قربانی سیلاب های اخیر از وضع موجود و ابعاد جبران ناپذیر ویرانی های مادی و معنوی ناشی از سیل، همه و همه قلب هر انسان با وجدانی را به درد آورده و علیه مسببین سیه روی وضع موجود به اعتراض و طغیان وا می دارد.

واقعیات فوق آینه ای ست که بر بستر عواقب دردناک یک بلای طبیعی یعنی سیل ویرانگر اخیر، یکبار دیگر می توان چهره زشت و استثمارگرانه نظام ظالمانه حاکم و ماهیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را با برجستگی تمام در آن به تماشا نشست. در همین راستا می توان از برخورد حيله گرانه خامنه ای سخن گفت که از "اقدامات" و کمکهای مقامات حکومتی به سیل زدگان قدر دانی کرد. در حالی که تمام ویدئو های منتشر شده حاکی از آن است که در تمامی مناطق سیل زده بدون استثناء، مردم از عدم دریافت کوچکترین کمکهای ضروری از طرف دولت حتی پس از گذشت چند روز از وقوع سیل سخن گفته و با خشم و اعتراض، مقامات سپاه و دولت و استانداری که در حرکتیهای نمایشی مشغول بازدید از مناطق سیل زده هستند را با شعار و فحش و سنگ بدرقه می کنند. تنها در یکی از موارد غم انگیز مر بوط به نتایج این سیل و در شرایط کمترین رسیدگی از سوی مقامات رژیم، یکی از قربانیان سیل در استان لرستان، استانی که بیشترین صدمات ناشی از ویرانگری سیلاب ها را متحمل شده، می گوید: "یک هفته است نان نخورده ایم آب نداریم که خمیر درست کنیم، با بالگرد می آیند نگاهمان می کنند و رد می شوند. هیچ کمکی به ما نکرده اند." (نورآباد لرستان ۲۰ فروردین). در چنین فضایی ست که بر طبق گزارشات منتشره، مأموران رژیم ده ها نفر را با عناوین عوامفریبانه و نفرت انگیز "نشر اکاذیب" - یعنی انعکاس واقعیات تلخ و باور نکردنی وضعیت قربانیان سیل و رساندن فریادهای استمداد طلبی آنها از مقامات و مردم و یا انعکاس صحنه های اعتراض بر حقشان علیه مقامات دزد و فاسد حکومت - دستگیر کرده اند. به طور مثال در تاریخ ۱۶ و ۱۸ فروردین مجموعاً ۱۸ تن از افرادی که برای امداد رسانی به سیلزدگان به روستای "گوریه" در استان خوزستان رفته بودند توسط "سربازان گمنام امام زمان" یعنی مأموران دژخیم صفت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، بازداشت شدند.

واقعیت این است که مردم ایران در آتش خشم و نفرت از مقامات حکومت می سوزند و "عصبانیت" و به بیان بهتر خشم و نفرت شان به خاطر فشارهای اقتصادی و سیاسی طاقت فرسا حتی در شرایط قبل از سیل هم به خطری برای نظام ظالمانه حاکم تبدیل شده بود. اینها همان مردمی هستند که وقوع سیلاب و نتایج آن در اولین روزهای بهاری، ایام شادی بخش نوروز را برای شان به روزهایی دردناک و سیاه بدل ساخت، یعنی خیل محرومانی که به خاطر شرایط وحشتناک زیستی شان قربانیان اصلی این بلای طبیعی را تشکیل می دهند. اکنون به زعم نویسندگان مقاله رسوای ذکر شده، یک دشمن طبیعی با وارد آوردن ضربه ای ویران کننده به حیات و هستی این مردم، گویا به "کمک" نظام آمده و همچون "سیلی"، "مشکلات" را "از بین برده" و "آلام" توده ها را "تسکین" داده و به گمان کوراندیشانی نظیر نویسنده مقاله فوق، با تخفیف روحیه شورش و عصیان علیه وضع موجود، "تمدن" یعنی نظام ضد خلقی حاکم را از ضرب

ناشی از عصبانیت توده ها "نجات" داده است. اما می دانیم که مقامات جمهوری اسلامی درست از وحشت عصیان این توده های بلا زده ای که جان شان از ظلم و ستم سرمایه داران حاکم و حکومت شان به لب رسیده و از خوف آنهاست که قدرت نظامی خود را به رخ کشیده و قدرت نمائی می کنند. آنها در مقابل این توده هیچ پاسخی جز اعمال قهر و سرکوب و زندان ندارند و درست به همین دلیل در مقابل قربانیان نیازمند کمک که همه چیز خود را از دست داده اند ، شمشیر از نیام بر کشیده اند تا به خیال خویش مردمی که با "نوعی رخوت، افسردگی و عصبانیت دست و پنجه نرم می کردند" را با شوک ناشی از "جنود الهی" و سرکوب بعد از آن "تسکین آلام" دهند. اما عبث بودن این پندار بر بستر خشم و نفرت و اعتراض مردم علیه رژیم و مظالم آن از همان اولین روزهای این فاجعه پدیدار شده است. توده های عاصی و به جان آمده، مقامات جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه و ارتش ضد خلقی آن که برای برآوردهای امنیتی پس از سیل - و نه رسیدگی به سیل زدگان - به مناطق مختلف اعزام شده بودند را در جلوی دوربین بنگاه های خبری خود رژیم به سُخره گرفتند و با فحش و سنگ و بیل و کلنگ از منطقه بیرون کردند و گفتند که به حضور فاقد ارزش آنان نیازی ندارند! همین مردم به جان آمده بودند که در مقابله با "جنود الهی" و در هنگام اعتراض به عدم ارسال هیچ کمکی از سوی حکومت به سیل زدگان، در روز ۲۲ فروردین جاده اهواز و خرمشهر را بستند و بالاخره در سوسنگرد همین مردم محروم بودند که با مزدوران سپاه و بسیج که برای تغییر مسیر سیل به سوی خانه و کاشانه شان در جهت حفاظت از منابع نفت دشت آزادگان به نفع سپاه پاسداران اعزام شده بودند ، مسلحانه درگیر شدند و یک شهید و چند مجروح دادند.

عکس العمل های برحق مردم علیه دشمنان شان در شرایط دردناک کنونی حاوی پیامی غیر قابل اغماض است. سیلاب اخیر و عواقب فاجعه بار آن، بار دیگر تمامی کثافات و عفونت ناشی از حاکمیت نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما و رژیم جمهوری اسلامی را از اعماق جامعه به سطح آورده و با وضوح تمام به نمایش گذارده است. سیل جنایات و مظالم جمهوری اسلامی در پشت سد صبر و تحمل مردم، امواج خشم و نفرت فزاینده ای را متراکم کرده است که در آینده ای نه چندان دور با شکستن آن، طومار رژیم وابسته و فاسد حاکم برای همیشه از حیات توده ها برچیده خواهد شد. این پیام بدنبال سرکوب و فروکش کردن قیام دی ماه، اکنون بار دیگر در اعتراضات مردم سیل زده در اهواز و شهر های دیگر و در مقابله مسلحانه مردم سوسنگرد با رژیم ، پژواک شده و به منصه ظهور رسید. تسکین آلام مردم تنها با در هم شکستن سد دیکتاتوری حاکم و سرنگونی جمهوری اسلامی بر اثر سیلاب مبارزات توده ای امکان پذیر می باشد.

به نقل از : پیام فدایی ، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۳۷ ، فروردین ماه ۱۳۹۸